

برنامه درس دینی: رویکرد فطرت‌گرا

الف. ویژگی‌های فطری انسان عبارت‌اند از^۱:

۱. انسان مخلوقی است حقیقت‌جو، که دانایی و آگاهی را دوست دارد و از آن لذت می‌برد.
بنابراین، انسان، دانش را نه تنها برای رفع نیازها و بهبود زندگی می‌خواهد بلکه آن را فی حد نفسه مطلوب خود می‌یابد و با دستیابی به علم، کامل می‌شود و از آن لذت می‌برد.

کلیدواژه‌ها: حقیقت‌جو، برنامه درس دینی، رویکرد فطرت‌گرا

رویکردها یا رهیافت‌ها، که عموماً ناظر بر دیدگاه‌ها و طرز تلقی‌های خاص‌اند، بر عناصر و اجزای یک برنامه پرتوافکنی می‌کنند و ساختار و سامان آن را جهت می‌دهند. رویکردها به تناسب گستره و وسعتی که دارند، می‌توانند در مراحل مختلف یک برنامه ظاهر شوند و هر بخش از آن را تحت تأثیر قرار دهند.

رویکرد مناسب و سازگار با تعلیم و تربیت دینی، فطرت‌گرا و برخاسته از دیدگاه اسلام نسبت به انسان و انسان‌شناسی دینی است. در این دیدگاه، «فطرت» نقش محوری دارد و همان‌طور که متفکر شهید مرتضی مطهری گفته است، «ام‌المعارف» محسوب می‌شود.

فطرت به معنای نوع خاص خلقت انسان است، این خلقت خاص، به انسانیت انسان، اوصاف و ویژگی‌هایی ذاتی بخشیده است که او را از سایر انواع موجودات متمایز می‌کند. انسان دارای استعدادها و غایات خاص، گرایش‌های خاص و توانایی‌های شناختی خاصی است که یا در موجودات دیگر مشاهده نمی‌شود یا تا به آن حد در آن‌ها تحقق ندارد. دین که راه سعادت و کمال است، بر این فطرت بنا شده و در تناسب با آن نازل گردیده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۱ (الروم/۳۰)

بنابر معارف دینی، هر انسانی با فطرتی پاک به دنیا می‌آید^۲ و تنها طریقی که می‌تواند انسان را به رستگاری برساند و استعدادهای واقعی‌اش را شکوفا سازد، طریق سازگار با فطرت و منطبق بر آن است.



۲. انسان مخلوقی است که به خیر اخلاقی گرایش دارد، آن را خوب می‌داند و از داشتن آن لذت می‌برد.

۳. بُعد فطری دیگر انسان، علاقه به جمال و زیبایی است. انسان، جمال و زیبایی را در همه شئون زندگی خود دخالت می‌دهد، هم در شئون مادی و هم در شئون معنوی.

۴. یکی دیگر از ابعاد اصیل و فطری وجود آدمی حس پرستش است. پرستش حقیقت مطلق، خیر مطلق و زیبایی مطلق در درون هر کس هست.

از آنجا که حقیقت مطلق، خیر مطلق و زیبایی مطلق خداست، در واقع، انسان مخلوقی خداجو و خداطلب است. خلقت او به گونه‌ای است که قرب به خدا را می‌جوید و تا به او نپیوندد، از پا نمی‌نشیند.

۵. ویژگی دیگر انسان که او را از سایر مخلوقات جدا می‌کند، داشتن نیروی عقل است. این نیرو به او کمک می‌کند که هم حقایق را بشناسد و از باطل‌ها جدا کند و هم خوبی‌ها را تشخیص دهد و از زشتی‌ها جدا کند.

۶. ویژگی دیگر انسان، داشتن مرکزی به نام «قلب» است. قلب، کانون اعتقاد داشتن، تسلیم شدن، شوق ورزیدن، عشق، کین، مهر و خشم است.

ب. اصول منتج از رویکرد فطرت‌گرای توحیدی

این رویکرد که برگرفته از انسان‌شناسی اسلامی است، ما را به سمت اصولی راهنمایی می‌کند که برنامه درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و الزاماتی را در اجزای برنامه به دنبال دارند.

مهم‌ترین این اصول در این برنامه عبارت‌اند از:

۱. توجه به حقیقت کمال‌گرای انسان

خداوند کمال مطلق است و نوع انسان فطرتاً خداگرا و کمال‌گراست. آنچه از درون او را به تلاش و تکاپو وادار می‌کند، همین گرایش است.

توجه به این اصل، سبب می‌شود که برنامه‌ریزان درسی استعدادهای فطری را شناسایی و برای شکوفایی آن‌ها برنامه‌ریزی کنند و از شیوه‌هایی که سبب سرکوبی این استعدادها می‌شود، اجتناب ورزند غالب متفکران اسلامی، به خصوص امام راحل (ره)، مرحوم علامه طباطبایی و شهید مطهری، در تبیین معارف دینی، سلوک اخلاقی و عرفانی و جهت‌گیری‌های تربیتی از همین منظر وارد شده و همین دیدگاه را داشته‌اند.

۲. توجه به عقلانیت و تفکر

از آنجا که فطرت و استعدادهای فطری با بهره‌مندی از عقل و اراده به شکوفایی می‌رسد، نقش عقل در مسیر تعلیم و تربیت دینی و هدایت انسان‌ها به سوی رستگاری، نقش بسیار مهم و بنیادی است. در بهره‌مندی از تعقل و خردورزی باید به نکات زیر توجه کرد:

۱-۲. عقل آدمی ساختاری دارد که می‌تواند حقایق و واقعیات خارجی را بشناسد و به دانشی منطبق بر واقعیات دست یابد. همچنین می‌تواند خوبی را از بدی تشخیص دهد.

۲-۲. تفکر عقلی، بنابر آیات شریفه قرآن کریم حیثیات متعدد و مراتب کثیری دارد که متناسب با آن حیثیات و مراتب نام‌های مختلفی گرفته‌اند؛ ولی همه در مفهوم جامع «عقل» سامان می‌یابند.

اصطلاحاتی نظیر «تفقه»، «تفکر»، «بصیرت»، «استماع»، «تدبر»، «نظر» و «توجه» که در قرآن آمده است، همه حیثیاتی از تعقل‌اند. انسان هدایت شده اهل تفقه و تفکر است، صاحب بصیرت و نظر است، چشم و گوش باز دارد، اقوال را می‌شنود و بهترین قول را انتخاب می‌کند، در خلقت تفکر می‌کند و هدفدار بودن آن را می‌یابد.

۳-۲. در آموزه‌های دینی، عقل حجت باطنی شمرده شده است و وحی حجت ظاهری. این دو تعبیر گویای آن است که ما با دو حجت در عرض یکدیگر سروکار نداریم که بخشی از هدایت‌های زندگی به عقل و برخی به دین بازگردد که این خود به نوعی سکولاریسم می‌انجامد بلکه به آن معناست که عقل بنا بر معیارهای کلی و مبنایی خود میزان پذیرش دین قرار می‌گیرد و صحت آن را اثبات می‌کند. از طرف دیگر، عقل به دین مراجعه می‌کند و براساس معیارهای دینی و هدایت‌های آن به تبیین احکام می‌پردازد.

۳. جمع میان عقل و عرفان

عرفان اسلامی منبعث از سنت و سیره رسول خدا و ائمه اطهار، صلوات‌الله علیهم، است که در رفتار شخصیت‌های بزرگی چون امام خمینی، علامه طباطبایی، میرزا جواد آقاملکی تبریزی، آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله حاج سیدعلی قاضی تجلی یافته و بیانگر طریقه تزکیه نفس، سلوک الی الله، تقرب به خدا و معرفت‌الله است. وجه



تمایز عرفان اسلامی با سایر مکاتب عرفانی، التزام عملی آن به ظاهر شرع و احکام و تکالیف آن و تبعیت از سیره معصومین، صلوات الله علیهم، است.

عرفان بدون شائبه انحراف، وقتی ممکن است که از عقل سود گیرد و عقل نیز باید با استفاده از ظواهر و بواطن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین، صلوات الله علیهم، طریقه سلوک و راه کمال و رشد را مشخص نماید.

این طرز تلقی عینی و هماهنگی تنگاتنگ میان عقل و عرفان، آثار فراوانی در هدایت و تعلیم و تربیت باقی می گذارد که باید به خوبی از آن بهره برداری شود. در این شیوه تعلیم و تربیتی، در عین استفاده از عقل و استدلال، از رابطه میان بنده و خالق کمک گرفته می شود تا حلاوت محبت و شوق دیدار، با استحکام و انسجام عقلی قرین گردد و پر کشیدن در آسمان رشد و کمال با دو بال عقل و عشق محقق شود.

این اصل در تدوین محتوا و در شیوه تعلیم و تربیتی نیز تأثیر می گذارد. متن تهیه شده با این اصل باید بتواند صلابت عقلی را با حلاوت ذوقی به طور متوازن همراه کند. دبیری نیز که می خواهد بر این مبنا تدریس کند، باید بتواند از روش هایی استفاده کند که هم تفکر و اندیشه دانش آموز را پرورش دهد و هم دل و قلب او را متوجه خداوند نماید؛ همان گونه که قرآن کریم و معصومین بزرگوار، صلوات الله علیهم، ما را به این راه دعوت کرده اند.

۴. توجه به بُعد زیباگرایی انسان

اصل دیگر در تعلیم و تربیت دینی، توجه به بُعد زیباگرایی انسان در تمام مراحل تعلیم و تربیت است. این اصل نیز ریشه در معارف دینی، قرآن کریم و سنت و سیره معصومین دارد. عبارت مشهور «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» زیربنای این اصل است. نام گذاری صفات ثبوتی یا کمالی حق تعالی به صفات جمالی گویای آن است که «زیبا» بودن خداوند در همه اوصافش متجلی است و جهان خلقت که آیه اوصاف حق است، آیت زیبایی است.

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود

یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد با این نگاه، به میزانی که انسان طریق کمال را ببیند و به اوصاف الهی آراسته گردد بر حسن و زیبایی خود می افزاید. انبیای الهی و ائمه معصومین، علیهم السلام، هم

آیات عظمای زیبایی حق اند و هم مجلی و واسطه تجلی این زیبایی در خلق.

این موضوع در تعلیم و تربیت دینی آن قدر حائز اهمیت است و تا آنجا پیش می رود که ساده ترین و کوچک ترین نمونه ها را هم دربر می گیرد؛ به گونه ای که یک رفتار زیبای معلم می تواند دانش آموزی را جذب کند و او را برای همیشه در طریق حق قرار دهد.

۵. توجه به رشد معتدل و همه جانبه انسان

توجه به فطرت انسانی، رشد هماهنگ و همه جانبه کمالات فطری را به دنبال دارد. انسان هدایت یافته و رشید، انسانی است که کمالات وجودی او به نحوی هماهنگ رشد کرده و به شخصیتی معتدل دست یافته است.

یکی از آسیب های مهم تعلیم و تربیت دینی، انحراف از خط اعتدال است. گرایش های افراطی یا تفریطی از مبانی تعلیم و تربیت شروع می شود و به همه اجزای دیگر آن تسری پیدا می کند. مطالعه تاریخ اسلام از این حیث، دربردارنده درس های بزرگی است که می تواند فرا راه همه متصدیان تعلیم و تربیت باشد. این خطبه جاودانه حضرت علی (ع) که در آستانه شکل گیری گروه ها و مکاتب مختلف اسلامی ایراد شده، چراغ هدایت در تعلیم و تربیت است:

«شَغِلَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَمَامَهُ سَاعَ سَرِيحٍ نَجَا وَ طَالِبٌ بَطِيءٌ رَجَا وَ مَقْصَرٌ فِي النَّارِ هَوَى الْيَمِينِ وَ الشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبُوَّةِ وَ مِنْهَا مَنْفَذُ السُّنَّةِ وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ هَلَكَ مَنْ ادَّعَى وَ خَابَ مَنْ افْتَرَى.»^۴

پی نوشت ها

۱. پس روی خود را به سوی دین یکتاپرستی فرادار؛ در حالی که از همه کیش ها روی برتافته و حق گرا باشی، به همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است. آفرینش خدا دگرگونی نیست. این است دین راست و استوار ولی بیشتر مردم نمی دانند. / سورة روم، آیه ۳۰
۲. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ» صحیح بخاری، کتاب الجنائز، ابواب ۸۰ و ۹۳
۳. انسان در قرآن، استاد شهید مطهری، ص ۱۸ به بعد
۴. کسی را که بهشت و جهنم در پیش است، شغل شاغلی دارد: رهرو شتابان نجات یابد و آن خواستاری که با کندی پیش می رود امیدوار است و کسی که به غفلت و تقصیر می گذراند، در پرتگاه آتش سرنگون شود. راست و چپ، کوره راه گمراهی است و راه استوار و میانه همان جاده (کمال و فلاح) است، کتاب باقی ابدی (قرآن کریم) و آثار نبوت بر این راه پرتوافکن است و از همین راه است پیشرفت سنت و به سوی همین مقصد بازگشت عاقبت. ادعا کار دین ساز را هلاکت است و پشت هم انداز دروغ ساز را دست کوتاه است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

